شراب و فلسفه حرمت آن‏

محمدباقر شريعتى سبزوارى

مقدمه‏

برخى از احكام اسلامى با اين‏كه تعبّدى‏اند، نوعى استدلال عقلانى در آنها نهفته است، چرا كه وقتى اصول دين و مهم‏ترين فروع اصلى يك مذهب با دلايل عقلانى و حكمت برهانى روشن گرديد، خردمندان به حكم قياسِ فروعاتِ جزيى بر فروع و اصول كلىِ دينى، احكام تعبّدى را مى‏پذيرند. به همين دليل پذيرش چنين مسائلى را بايد تعبّدى و تعقلى نام نهاد، زيرا اين نوع تعبّد، ريشه در عقلانيت دارد. مؤمنان معتقدند تمام احكام اسلامى، فلسفه يا اسرارى دارند كه بيشتر آنها را نمى‏دانيم، و شايد تأثير معنوى احكام، در ندانستن حكمت آنها باشد و يا خداى متعال كشف آنها را به عقل و علم بشر موكول ساخته است تا حقانيت اين مذهب بر عموم مردم، به ويژه دانشمندان منصف واضح گردد و حجت نيز از اين طريق بر آنان تمام شود، چرا كه توجه به فلسفه احكام و فهم آنها در آن روزگاران امكان نداشته است.

وانگهى، اگر بنا باشد مردم پس از آشنايى با فلسفه و اسرار احكام به دستورات دينى عمل كنند، چنين اشخاصى پيرو عقل محض و علم صِرف خواهند بود، نه تابع مذهب و دين. بى‏گمان در اين صورت مسائل دينى اثر تربيتى و معنوى خود را از دست مى‏دهند، زيرا عشق و تعبّد است كه آدمى را مى‏سازد، در غير اين حالت، مسلمان‏ها براى عمل به دستورات دينى، بايد در هر زمانى منتظر كشف حكمت احكام توسط علم و عقل باشند و تا زمانى كه حكمت آنها مشخص نشده، از عمل به فرامين الهى معافند.

بر فرض اگر هم اين گونه باشد، نمونه‏هاى بسيارى را مشاهده مى‏كنيم كه با وجود معيّن شدن زيان‏ها و حرمت آنها از طريق علم و عقل، باز جمع كثيرى بدان توجه نمى‏كنند؛ مانند سيگار كشيدن، استفاده از مواد مخدّر، انواع مسكرات و... بر اين اساس بايد گفت تنها عاملى كه مى‏تواند انسان را از محرّمات و هر آن‏چه مضر است، باز دارد دين و ايمان واقعى است. از اين‏رو مسلمانان صدر اسلام تا آيه حرمت شراب نازل شد، تمام خمره‏ها را شكستند و شراب‏ها را بر روى زمين ريختند؛ چنان‏كه با ظهور انقلاب اسلامى نيز مردم خشمگينانه مراكز فحشا و فساد را خراب كردند.

دلايل حرمت مشروبات الكلى‏

مشروبات الكلى بر خلاف بسيارى از منكرات، به پنج دليل از محرّمات و خبائث شمرده مى‏شود:

دليل اول - كتاب (قرآن)

در قرآن كريم آيات فراوانى وجود دارد كه حرمت مشروبات الكلى را به زبان كنايه و يا موردى بيان مى‏كند، ولى ما به صريح‏ترين آنها مى‏پردازيم:

1 - «انّما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون؛(1) تحقيقاً شراب و انواع قمار و بت‏پرستى و يا سنگ‏هايى كه براى قربانى نصب شده و چوبه‏هاى قرعه (براى كشف امور غيبى)، پليدى از كارهاى شيطان است، از آن دورى گزينيد، شايد رستگار شويد.»

2 - «انما يريد الشّيطان ان يوقع بينكم العداوة و البغضاء فى الخمر و الميسر...؛(2) شيطان مى‏خواهد كينه‏توزى و دشمنى را از طريق شراب و قمار در ميان شما بيفكند و تضادهاى داخلى را تشديد نمايد و شما را از ياد خدا و نماز باز دارد، آيا باز هم دست از آن بر نمى‏داريد.»

3 - «يسئلونك عن الخمر و الميسر قل فيهما اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما؛(3) تو را از شراب و قمار مى‏پرسند، بگو: در آن دو گناهى بزرگ است و سودهايى براى مردم و گناهشان از سودشان بيشتر است.»(4)

دليل دوم - احاديث نبوى و علوى (سنت)

در مجامع شيعه و سنّى، اين حديث معروف است كه پيامبر اكرم (ص) ده گروه را لعنت كرده است كه به گونه مستقيم يا غير مستقيم در شراب سازى دخالت دارند: 1 - كسى كه درخت انگور را به نيت شراب غرس كند؛ 2 - آن‏كه بدين قصد از درخت تاك پاسدارى نمايد؛ 3 - خريدار مشروبات؛ 4 - فروشنده آن؛ 5 - كسى كه مى‏نوشد؛ 6 - كاسبى كه از شراب فروشى پولى به دست مى‏آورد؛ 7 - فشار دهنده انگور به انگيزه ساختن شراب؛ 8 - افرادى كه مشروبات را حمل و نقل مى‏كنند؛ 9 - تحويل گيرنده آن؛ 10 - ساقى يا كسى كه شراب براى ديگرى مى‏برد.(5)

در اسلام هيچ گناهى تا اين حد نكوهيده نشده است. پيامبر (ص) به حضرت على (ع) فرمود: «اگر همه گناهان را در خانه‏اى جمع كنند، كليد آن شراب است.»(6)

امام على (ع) مى‏فرمايد: «خداوند شراب و مى‏گسارى را براى سلامت عقل حرام كرده است.»(7)

امام صادق (ع) نيز فرمود: «اگر كسى دخترش را به شراب‏خوار بدهد مانند اين است كه او را در آتش انداخته است.»(8)

دليل سوم - عقل‏

برخى از عقلاى جهان به خصوص پزشكان متعهد بر اساس موازين عقلى و علمى و بلكه مشاهدات حسى معتقدند الكلِ مسكِر انسان را از حالت عادى خارج مى‏سازد و براى مدت زمانى او را در مستى و بى‏خبرى نگه مى‏دارد و در اين حالت هرگونه عمل خطرناك و يا شرم‏آورى از وى امكان صدور مى‏يابد.

دليل چهارم - اجماع

به اجماع فقهاى شيعه و سنّى، شراب، نجس و حرمت آن محرز است. اكثر عالمان دينى مشروبات را حتى به نام دارو نيز تجويز نمى‏كنند، چرا كه خداوند متعال شفايى در حرام قرار نداده است. تمام فقيهان اسلامى براى شراب‏خوار اجراى حد شرعى (هشتاد ضربه شلاق) را واجب نموده‏اند.

دليل پنجم - علوم طبيعى (علم پزشكى)(9)

از نظر علم پزشكى نيز حرمت شراب، محرز است، زيرا كتاب‏هاى متعددى درباره زيان‏هاى آن از سوى پزشكان دل‏سوز نوشته شده است. در اين‏جا يكى از جامع‏ترين و به روزترين كتاب‏هايى را كه جمعى از پزشكان در تدوين و يا تصديق بر آن كوشيده‏اند، منبع قرار مى‏دهيم و نكاتى را از آن استخراج مى‏كنيم.

هر چند اصطلاح الكليسم به طور گسترده در محاورات روزمره استعمال مى‏شود، اما مفهوم آن براى استفاده بالينى بيش از حد وسيع است. مى‏توان به مصرف بيش از حد الكل، وابستگى (اعتياد) به الكل يا آسيب ناشى از مصرف بيش از حد الكليسم اطلاق كرد. در بعضى منابع علمى ديگر گفته شده است: الكليسم به مفهوم اعتياد به الكل، توصيف و مشخص مى‏گردد.(10)

آمار و ارقام تكان دهنده‏

طبق يك آمار رسمى كه آمريكايى‏ها در كتاب درسى دانشگاهى خود اعلام كرده‏اند، دو سوم مردم آمريكا در سنين بالاى چهارده سال مشروبات الكلى مى‏نوشند كه همين امر منجر به يك سرى بيمارى‏ها و مسائل ديگر گرديده است، به طورى كه هزينه مشكلات ناشى از الكل، يك‏صد بيليون دلار مى‏گردد.(11)

گفته مى‏شود كه بيش از بيست درصد بيماران بسترى شده در بيمارستان‏هاى آمريكا، افراد الكلى هستند.(12)

در كشور ما پس از گذشت 27 سال از انقلاب اسلامى هنوز آمار رسمى و دقيقى از افراد الكلى نداريم، زيرا بسيارى از آنها به صورت مخفيانه مصرف مى‏كنند. كارشناسان معتقدند بيشتر مردم درباره اثرات الكل بر بدن يا هيچ‏گونه اطلاعى ندارند و يا اطلاعاتشان بسيار محدود است و بعضى حتى آن را مفيد مى‏دانند.

پزشكان متخصص نوشته‏اند يك سرى اطلاعات غلط و غير علمى و در واقع دقيقاً مخالف با دانش پزشكى به طور تقريبى در ذهن تمام مصرف كنندگان مشروبات الكلى وجود دارد؛ به عنوان مثال بسيارى تصور مى‏كنند كه مشروبات الكلى به ويژه آب‏جو، براى درمان شن كليه مفيد است.(13)

يك خاطره‏

در دوران حاكميت شاه معدوم، همراه شخصى از تهران به قم هم‏سفر شدم. وى پيوسته اشك مى‏ريخت و اظهار مى‏داشت مى‏خواهم به قم بروم و در كنار قبر حضرت معصومه (س) از خوردن مشروبات الكلى توبه كنم. آيا پس از ده سال شراب‏خوارى، خداوند توبه مرا مى‏پذيرد يا خير؟ بنده به وى اميد و نويد مى‏دادم كه خداوند ارحم الراحمين و توبه‏پذير است، اما او هم‏چنان مى‏گريست و بيمارى‏هاى مزمنش را بر مى‏شمرد كه از طريق الكل به آن گرفتار شده است. شايد ده نوع بيمارى براى من بازگو ساخت كه بنده جز اختلالات كبدى و ريوى و ناراحتى حنجره، چيزى به خاطرم نيست. تا اين اطلاعات را شنيدم خداى را سپاس گفتم كه چنين آيينى به ما عنايت كرده كه سلامت جسم و جانمان را تأمين مى‏كند و نسل ما را از بسيارى خطرات و معلوليت‏ها مصون مى‏دارد.

مشروبات در اديان ديگر

رسول اكرم (ص) فرمود: «هيچ پيامبرى مبعوث نشده است كه حرمت مشروبات الكلى در سرلوحه برنامه و رسالت او نباشد». شهيد دكتر پاك‏نژاد مى‏نويسد: «تكنولوژيست‏ها آياتى از كتاب‏هاى تورات و انجيل آورده‏اند كه خوردن مسكرات را حرام اعلام مى‏دارند»،(14) ولى متأسفانه به دليل تحريف اين كتاب‏هاى آسمانى، حرمت شراب برداشته شده و آن را مجاز شمرده‏اند.

اثرات زيان‏بار شراب‏

روزى جمعيتى با نام «مبارزه جهانى با مشروبات الكلى» به محضر مرحوم آية الله بروجردى رسيدند و از علت حرمت شراب در اسلام پرسيدند. ايشان فرمودند: چون اسلام جاى‏گاه رفيعى براى عقل انسان قرار داده، بنابراين هر چيزى را كه به عقل او ضربه وارد كند حرام مى‏داند و از آن‏جا كه مشروبات، جسم و جان و عقل و هوش آدمى را تباه مى‏كند، حرام شده است. سپس پرسيدند: پس چرا يك جرعه از آن نيز حرام شده است؟ فرمودند: طبيعت بشر چنان حريص است كه اگر مجوّز يك قطره از شراب داده شود، جرعه جرعه خواهد نوشيد تا به حد نصاب برساند. آن‏گاه آية الله بروجردى در همان جلسه از مرحوم علامه طباطبائى درخواست كردند تا مقاله‏اى درباره فلسفه حرمت شراب بنويسند. مرحوم علامه نيز مقاله جامعى نوشتند كه در سال‏نامه مكتب تشيّع چاپ شد.

شهيد دكتر پاك‏نژاد مى‏نويسد: تعيين مقدار حداقل براى چيزى كه نه غذا باشد و نه دوا، يك كار غير علمى است. اگر اندكى از شراب براى دارو باشد هيچ دارويى براى مدت زيادى تجويز نمى‏شود. اگر مقدار كمى باشد سوخت و ساز غذايى ندارد، ولى هورمون آنتى‏ديورتيك را مهار كرده و ادرار را زياد مى‏كند. قطره شراب خورده شده وارد خون مى‏شود و در انعقاد نطفه اثر منفى مى‏گذارد. بيضه‏ها و پروستات از تمام بافت‏هاى بدن بيشتر الكل جذب مى‏كند (حدود هفتاد درصد) و اين امر در فساد اسپرماتوزوييد بسيار مهم است. اين فساد معمولاً پس از يك ساعت از ورود الكل به بدن، در نطفه مرد صورت مى‏گيرد. اگر زن هم شراب مصرف كند در تخم‏دان او نيز ديده مى‏شود. هر گاه طفلى در حال مستى تكوين يابد الكل موجود در نطفه، جنين را فاسد مى‏سازد و او را از رشد طبيعى باز مى‏دارد و در معرض بيمارى‏هاى گوناگون قرار مى‏دهد.(15)

امام رضا (ع) فرمود: «ايما امرئة اطاعت زوجها و هو شارب الخمر فعليها من الخطايا بعدد نجوم السماء و ولده نجس؛ هر زنى كه در برابر شوهرِ مست خود تمكين كند، به ميزان ستارگان آسمان گناه در نامه عملش نوشته مى‏شود و فرزندى كه در اين حال منعقد مى‏شود، كودن و ناهنجار خواهد بود.»(16)

اسلام و فرهنگ سازى‏

اسلام براى ايجاد نفرت ذهنى و اجتماعى به الكل و مشروبات، نخست به يك رشته مبارزات منفى روى آورده است تا باده خواران، خود را در جامعه حقير و بى‏مقدار ببينند و از آن پرهيز كنند. بر اين اساس پيامبر (ص) به آحاد مسلمانان توصيه فرمودند:

1 - اگر شراب‏خوار مريض شد، به عيادتش نرويد؛

2 - شهادت و گواهى شراب خوار، قبول نمى‏شود؛

3 - اگر به خواستگارى آمد، دست رد به سينه او بزنيد؛

4 - گفتارش را تصديق نكنيد؛

5 - شفاعت او پذيرفته نيست؛

6 - از وى دختر نگيريد و با او معاشرت نكنيد؛

7 - در مجلس شراب ننشينيد، زيرا وقتى لعنت خدا نازل شد همه را فرا مى‏گيرد؛

8 - در قيامت، زهرمار و عقرب را به الكلى‏ها مى‏خورانند.(17)

برخورد امام على (ع) با شراب‏

آن حضرت در حديثى فرمود: اگر يك قطره شراب را در چاهى بريزند و از آب آن گندم‏زارى را مشروب سازند، سپس آن محصول را در آسياب آرد كنند و نان‏هايى بپزند، من كه على هستم، از خوردن چنين نانى دورى خواهم كرد.

نجاشى، يكى از ياران على (ع) بود كه با شعر و نثر او را تعريف و معاويه را هجو مى‏كرد. وى سربازان زيادى داشت كه آنها را در جنگ براى يارى امام بسيج مى‏كرد. ابو سماك اسدى مى‏گويد: ماه رمضان به منزل من آمد و گفت: بيا شرابى و كبابى بخوريم. من گفتم: از عدل على نمى‏ترسى؟ اظهار داشت: حضرت على (ع) مرا از دست نخواهد داد. آن‏گاه شراب فراوانى خورد و عربده كشيد. مأموران او را گرفتند و به محكمه عدالت على (ع) سپردند. حضرت فرمود: حد شراب‏خوار، هشتاد ضربه شلاق است، ولى بيست ضربه هم اضافى بزنيد كه حرمت ماه مبارك رمضان را هتك كرده است.

آيا حرمت شراب به تدريج اعلام شد؟

برخى گمان كرده‏اند كه حرمت شراب در سال پنجم هجرت اعلام شده، زيرا درباره مشروبات الكلى فقط سه آيه نازل گرديده است و هر كدام در آغازِ كار، آهنگ خاصى دارد. در پاسخ مى‏گوييم: درست است كه مجموع آيات شراب نشان مى‏دهد شارع مقدس آن را به تدريج حرام كرده است، لكن حرمت تدريجى بدين معنا نيست كه نخست نهى تنزيهى، سپس نهى اعافه(18) و در آخرين مرحله، نهى تحريمى فرموده باشد، چرا كه اين‏گونه برداشت، سر از نسخ در مى‏آورد. هم‏چنين اين گونه نيست كه خداوند منان براى مصالح سياسى و اجتماعى و آماده سازى مردم، در بدو امر، نهى را به صورت مبهم و سپس روشن‏تر بيان كرده باشد تا كسى بگويد از كلمه اثم در آيه كريمه «قل انما حرّم الفواحش ما ظهر منها و باطن و الاثم» كه در سوره مكى آمده به ضميمه آيه «قل فيهما اثم كبيرو منافع للناس» كه در سوره مدنى نازل شده، چنين استنتاج كنيم كه شراب حرام است، چون اثم و گناه محسوب مى‏شود؛ بلكه نخست شراب را به صورت عام (در سوره اعراف كه مكى است) حرام كرده و سپس به تحريم خاص آن همراه با نصيحت و تحليل و تأكيد پرداخته است. به ويژه در آيه نود سوره بقره كه داراى تأكيدهاى بسيار و مشتمل بر يادآورى مفاسد بى‏شمار است.

وانگهى، در اين آيه مى‏گسارى و قماربازى در رديف بت‏پرستى قرار گرفته است و اين نشان مى‏دهد حرمتش همچون بت‏پرستى و شرك، بسيار شديد و خطرناك مى‏باشد.(19)

پي نوشت :

1) مائده (5) آيه 90.

2) همان، آيه 91.

3) بقره (2) آيه 219.

4) زمخشرى مى‏نويسد: درباره حرمت شراب سه آيه نازل شده است: 1- يسئلونك عن الخمر و الميسر». پس از نزول آيه، برخى از مسلمان‏ها شراب را ترك كردند و برخى ترك نكردند. مردى شراب آشاميد و به نماز ايستاد و هذيان گفت، آيه «يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلوة و انتم سكارى» نازل‏شد، اما عده زيادى از مسلمان‏ها از جمله عمر بن خطاب به شراب خوردن ادامه دادند. در اين ايام، عمر در حال مستى استخوان فك شترى را برداشت و بر فرق عبد الرحمن بن عوف كوبيد و سر او را شكست. سپس نشست و شروع كرد با اشعار اسود بن يغفر نوحه‏سرايى كردن و بر كشتگان بدر گريستن. اين داستان به گوش پيغمبر رسيد، چنان به خشم آمد و با سرعت حركت مى‏كرد كه ردايش به زمين كشيده مى‏شد. وقتى به عمر رسيد، دست بلند كرد تا او را با چيزى كه در دست داشت بزند. عمر گفت: پناه مى‏برم به خدا از غضب خدا و رسولش. پيامبر آرام گرفت. آن‏گاه اين آيه نازل شد: «انما يريد الشيطان ان يوقع بينهم العداوة و البغضاء و... فهل انتم منتهون». عمر گفت: آرى منتهى شديم و دست از اين عمل برداشتم: ربيع الابرار و نصوص الاخبار، ج 4، ص 53 - 51.

5) فروع كافى، چاپ جديد، ج 6، ص 430 - 429.

6) وسائل الشيعه، ج 17، ص 271.

7) نهج البلاغه، حكمت 252.

8) وسائل الشيعه، ج 17، ص 249.

9) منظور از علوم طبيعى، استنتاجاتى است كه متفكران از آن دارند. هنگامى كه علم خطرات و مضرّات شراب را كشف مى‏كند، عقل حرمت آن را اعلام مى‏دارد.

10) على‏اصغر اكبرى، اثرات مشروبات الكلى از ديدگاه دانش پزشكى و دانشمندان غرب، ص 20 - 19.

11) همان، ص 21.

12) همان، ص 22.

13) همان، ص 27.

14) اولين دانشگاه و آخرين پيامبر، ج 7، ص 134.

15) همان.

16) به نقل از: مجموعه ورام، ارشاد القلوب، ج 1، ص 175.

17) وسائل الشيعه، ج 17، ص 249 - 248، احاديث 4، 5، 7، 8.

18) در واقع به منزله نهى ارشادى است كه هر كدام از اين مراحل مبغوضيتش از مرحله قبلى بيشتر است، ولى به ميزان حرام نيست.

19) تفسير الميزان، ج 6، ص 133؛ ترجمه تفسير الميزان، ج 6، ص 183 و 184.